

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

سوره مبارکه احزاب (جلسه پنجم)

جلسه خانوادگی - استاد اخوت ۱۳/۱۰/۹۷

جلسات قبل در مورد سوره مبارکه احزاب مطالبی مطرح شد و از مهم ترین آنها این بود که وقتی شخصیت ها در لابلای تاریخ مطرح می شوند با زمانی که در زمان خودشان دیده می شوند، متفاوت می شوند. نوعا اینگونه است که تاریخ خودش اسطوره سازی می کند. وقتی می گوئیم پیامبر، پیامبر برای ما خیلی بزرگ است اما وقتی به آن زمان می رویم خیلی از کارها عرفیات ما را به هم می ریزد.

افرادی در مدینه مشغول زندگی هستند و مردی عرب ادعای وحی می کند. عده ای آن را می پذیرند و عده ای نمی پذیرند اما در نهایت پذیرشی عمومی برای افراد رقم می خورد. عده ای نپذیرفتند و عده ای نیز پذیرفتند. کسانی که به مدینه رفته باشند، ماکت هایی که از مسجد پیامبر وجود دارد و وسعت مسجدی که بوده است. مسلم همه اهل مدینه برای نماز به مسجد نمی رفته اند. اینگونه نبوده است که همه یکپارچه در پشت رسول نماز خوانده باشند. اینها موارد مهمی است. نوعا با شخصیت های دینی خود به شکل اسطوره ای برخورد می کنیم و از دور کارهایشان را تصدیق می کنیم اما وقتی به زمان حاضر می رسیم می گوئیم چون حکومت دینی این نواقص را دارد اصلا حکومت دینی را نمی خواهیم! پرورش یک انسان مؤمن خیلی زمان می برد و همین افراد هم در جنگ کشته می شوند! در سقیفه یک سری از افراد مؤمن خود را از دست می دهد، حکومت و سقیفه و کربلا و ... آیا توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قابل پیش گویی نبوده است؟! وقتی به زمان رسول می رویم، می بینیم بضاعت ها به گونه دیگری است. که در این سوره به خیلی از این موارد اشاره می شود.

دلیل توصیه‌هایی که به همسران پیامبر شده است.

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ (۳۳)

دستوراتی که در این آیات به زنان پیامبر داده می‌شود این است که در خانه‌های خود بنشینند و به عنوان رسانه عمل نکنند. عده‌ای که مرض و غرضی دارند ممکن است بخواهند خانواده پیامبر را آلوده کنند و از سوئی اگر در خانه-هایشان قرار نداشته باشند، ممکن است به عادت‌های جاهلیت بازگردند. سه آسیب مطرح می‌شود: یکی از ناحیه دیگران است و افراد مریض احوال که ممکن است بخواهند پیامبر را از طریق همسران‌شان ترور شخصیت کنند. زنان پیامبر از حیث اخبار و رسانه‌ای و نیز کارهای نسنجیده و سومین مورد اینکه توسط زنان پیامبر، سنت جاهلیت در دل خانواده رسول شکل بگیرد و در جامعه دیده شود، که البته نمی‌گوییم این اتفاقات افتاده است بلکه طبق این آیات باید این احتمالات را در نظر گرفت. یعنی باید بصیرت سیاسی را فعال کرد. باید دید که اگر یکی از همسران پیامبر چنین کند، در مورد ایشان چه خواهند گفت. خدا وقتی اراده کرده است که دینش گسترش یابد، ممکن است از طریق کسی باشد که مثلا از عهده فرزندش برنیاید اما بتواند خیلی کارها را انجام دهد. خیلی وقت‌ها فکر می‌کنیم چون از پس کارهای خانواده خود بر نمی‌آیم، پس به سراغ کارهای جامعه نمی‌روم. ممکن است کسی به دلایل مختلفی در خانه خودش موفق نشود اما در جاهای دیگر موفق شود.

خداوند دینش را بر مدار گره قرار نداده است. یعنی می‌شود که کسی همسر پیامبر باشد اما آن نظام را قبول نداشته باشد و این درس بزرگی برای ما است. خیلی وقت‌ها وقتی کمی شکل اعتقادی به خود می‌گیریم، تمایل داریم که همسر و بچه‌های ما همان شکل را بگیرند ولی چنین الزامی نیست. وقتی خدا به پیامبر و همسرانشان چنین می‌گوید پس حساب کار باید دست بقیه باشد! در نهایت به پیامبر هم می‌گوید هر زمانی که این افراد خواستند از تو جدا شوند، مبلغ خوبی به آنها بده و آنها را راضی کن. دین خدا خیلی عجیب است، در آن یک آزادی است که همه را به کرنش وادار می‌کند. در حالی که اگر حالت اجبار پیدا کند، کسی نمی‌تواند آن را بپذیرد.

دستوراتی برای داشتن خانواده توحیدی

وَلَا تَبْرَجَنَّ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

این سه دستور برای کسی است که بگوید می‌خواهیم خانواده‌ای درست کنیم شبیه به خانواده پیامبر، باید چه کنیم؟ سه محور دارد:

۱. اقامه نماز؛ یعنی در خانه‌هایتان نماز مهم باشد.
۲. ایتاء زکات؛ مردم برای شما مهم باشند. محرومین مهم باشند. دارایی‌هایت را باید هرس کنی، زکات هر چیزی متناسب با خودش است. برخی چیزها را به دلیل زکات باید عطا کنی و برخی چیزها را باید منع کرد. زکات اینگونه نیست که همیشه باید داد، اگر پول است باید داد. زکات حیاء این است که در موارد منفی به کار نرود. مراقب باشید که سؤال‌های احکام خود را پرسید. برای آقایان سؤال کردن سخت است اما باید پرسید. زکات هر چیزی متناسب با خودش است.
۳. اطاعت از خدا و رسول یعنی اینکه جهت‌گیری‌های کلی زندگی انسان باید به صورت دلخواه باشد و نه بر اساس گره و ناخوشی. جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و تربیتی و در همه ابعاد باید همراهی با رسول شد. جهت باید به سمت خدا و رسول باشد. مجرا و دریافت حقایق مستقیماً از ناحیه خداست و یا از ناحیه رسول. جزئیات خیلی از احکام را باید از رسول گرفت و خیلی از چیزها هست که انسان با درونش وجدان می‌کند. مثلاً خلف وعده، حرام است و این اطاعت از خداست. اوامر و نواهی که گویی در درون انسان نصب شده است. هیچکسی از دروغ گفتن و نامردی خوشش نمی‌آید. اطاعت از رسول عمدتاً به سمت احکام شریعت می‌رود.

این موارد دستوراتی است برای داشتن خانواده توحیدی و خانواده را به سمت خانواده رسول پیش می‌برد. هر خانواده‌ای در هر جای دنیا بود و با این خصوصیات بود می‌شود، از خویشاوندان رسول.

کرامت دادن به انسان به وسیله تطهیر اهل بیت (علیهم السلام)

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (۳۳)

عده‌ای در زمان خود رسول به این مقام رسیدند تا شاخص باشند. خداوند آنها را از رجس و هرگونه پلیدی خارجشان کرد و به عنوان میزان اعمال برای مردم قرار گرفتند. نسبت‌ها با این خانواده سنجیده می‌شود و این کرامت دادن به انسان است. گویی به شما بگویند رهبران شما پاکان هستند و هیچگونه رجسی در آنها نیست. تراز و مقصد

انسان را نشان می‌دهد. گویی این امر چهارم است، گویی بعد از آن سه مورد، گفته است خود را با این میزان چک کنید. اینگونه بگوییم که اگر کسی را گفته است «اهل البیت» به طور کامل اقامه نماز دارد، ایتا زکات انجام می‌دهد، اطاعت از رسول می‌کند و مقصدش به طور کامل طهارت است.

تلاوت آیات و حکمت

وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)

آیات محل‌هایی است که انسان می‌تواند خدا را ببیند. برخی می‌گویند خورشید آیه خداست و ماه و زمین و ... اما در این آیه می‌گوید در خانواده‌های خود ذکر خدا را بکنید و آیات خدا را تلاوت کنید. معنایش این نیست که فقط صرف گفتن باشد. اگر رفتاری کنیم که با هر مصیبتی یا هر شرایطی خدا در آن جاری شود، تلاوت آیات صورت گرفته است.

تلاوتی که جنسش از حکمت است یعنی حکم خدا را نمایان می‌کند و حکمت‌ها و مصلحت‌هایی را که خدا دارد آشکار می‌کند. از اتفاقات، گزاره‌های قطعی یقین‌آور را به مردم نشان می‌دهد و اینکه چگونه می‌توان از اتفاقات مختلف بیشترین نفع را برد که زندگی‌هایمان سوخت نشود. هرچقدر هزینه سنگین‌تر است حرفی که از آن به دست می‌آید، سنگین‌تر است. هزینه شده است و مابه‌ازای آن باید بهره‌کاربردی به دست بیاید، این حکمت است.

اتصال با اهل بیت (علیهم السلام)

مراقب باشید فریب نخورید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از دنیا رفته است. این فریب‌ها ما را از حقیقت اهل بیت (علیهم السلام) دور کرده است. باید حس کرد که در خانواده رسول زندگی می‌کنیم و پدر و مادر ما حضرت امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیهم اجمعین) هستند. اشکالی ندارد خیال کنیم چنین است. خیال این موضوع هم انسان را به پاکی می‌رساند.

خداوند می‌خواهد به همه انسان‌های روی کره زمین بگوید که اهل بیتی وجود دارند که از رجس خالی هستند و دارای طهارت هستند و این سرمایه همه انسان‌هاست. رجوع به اهل بیت و داد و ستد داشتن با آنها را، «صلوات» نام نهاده است. اتصال نوع انسان با جریانی از هدایت به نام اهل بیت. یک مرتبه تطهیر، بالاترین کلمه برای فرد می‌شود. او می‌بیند و جواب می‌دهد. باید به این جریان اعتقاد داشته باشیم و باید بدانیم هر روز صبح که بیدار می‌شویم در خانه اهل بیت زندگی می‌کنیم. در این صورت تقوا و حیاء انسان بالا می‌رود و رفتارهای ناهوشیار انسان کم می‌شود.

يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً: بحث مضارع آمدن فعل مواجهه‌ای است. استمرار را می‌رساند و غیر جلیلی بودن این موضوع.

بیت واحد استقرار انسان در جامعه است. انسانی از منظر اجتماع مطرح می‌شود. اهل هم نشان‌دهنده یک سنخیت و سازگاری است. خوش‌یمن بودن و اهلیت داشتن را نشان می‌دهد. البیت می‌شود بیت النبوه، می‌شود اهلیت داشتن برای این بیت. این توفیق از کسی سلب نمی‌شود و همه انسان‌ها می‌توانند از این بیت باشند و از رزقی که برایشان وجود دارد، بقیه هم استفاده کنند. یک اهل البیتی هر روز سهمی از بهشت دارد چون «مختلف الملائکه» است. از وحی بهره دارد و به صورت‌های مختلف آیات بر او جاری می‌شود. نشانه اهل بیت شدن این است. اول می‌فهمد و بعد می‌گوید همین است که من فهمیدم.

مجرای اعطاء، مستقیماً به اهل بیت وصل می‌شود. از نظر داد و ستد مقام اهل بیت (علیهم السلام) از قرآن بالاتر است و از نظر استناد، قرآن بالاتر از اهل بیت (علیهم السلام) می‌شود. به همین دلیل به مقام عطاء و جریان که می‌رسد ثقل آن می‌شوند «اهل بیت» و در مقام مرجع و رجوع، ثقل اکبر می‌شود «قرآن». از اهل بیت شدن، غیر قرآن خواندن است. از هر دو ثقل می‌توان بهره‌مند شد. دریافت‌هایی که از اهل بیت داریم و قرآن، باید در حال رفت و برگشت باشد. به نظر می‌رسد که ارتباطی که انسان با اهل بیت (علیهم السلام) می‌گیرد او را بسیار تعالی می‌دهد و به عمل نزدیک می‌کند. یعنی افراد با دین او به جزء از حکمت و یاد خدا، نمی‌توانند چیز دیگری را ببینند. خدا چنین چیزی را به همه عنایت کرده است.

از ما به شما نصیحت؛ یک وقت فریب نخورید و بگویید ما در شأن این‌ها نیستیم! همه ما بدون استثناء و در هر شرایطی که هستیم به این عنوان خلق و برای این غرض خلق شده‌ایم (آیات انتهایی سوره مبارکه هود) اصلاً برای این خلق شده‌ایم که این اتصال صورت گیرد. شیطان به ما می‌گوید که ما سزاوار نیستیم، درحالی‌که اهل بیت (علیهم السلام) ما را لایق طهارت می‌دانند و این آلودگی برای ما نیست بلکه برای شیطان است. ما نمی‌توانیم مشرک باشیم. اول شیطان انسان را مشرک می‌کند و بعد او را نجس می‌کنند. مشرک کردن هم به همین راحتی است که کسی بگوید من لایق طهارت نیستم! به تحقیق مشرک است. این شعار شیطان است که به مردم القاء کند شما لایق طهارت و پاکی نیستید. وقتی فرد خود را لایق طهارت و پاکی نداند، به دنبال خدایی می‌گردد که با ناپاکی سازگار باشد و اعتقاد داشته باشد که او لایق طهارت نیست. حتی به شوخی هم این حرف را نزنید.

انسان خلق شده است برای اینکه از اهل بیت (علیهم السلام) شود. کلاه گشادی در طول تاریخ بر سر بشر رفته است. می-
خواسته اهل عرفان شود گفته‌اند، تو اهلش نیستی! خواسته اهل علم شود گفته‌اند، تو اهلش نیستی! و... بعد به
جستجوی آدم گشته است و هیچکسی را هم پیدا نکرده است! این القائات تا چه زمانی ادامه خواهد داشت نمی-
دانیم..

صفاتی برای تطهیر شدن

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۳۵)

این صفات که برای ما می‌گوید تفصیلی‌تر و به ظاهر سخت‌تر است. باید جزء این آیه باشیم. صفات عجیبی در آیه
مطرح می‌شود.

در این آیه زن و مرد را جدا کرده است و

مسلم بودن؛ احکام خدا را بپذیرد و گردن بگیرد.

مؤمن بودن؛ اعتماد داشته باشد و شک و تردید نداشته باشد. نشانه ایمان و شاخصه آن ایمان است.

قانت بودن؛ به هیچکسی غیر از خدا توجه نداشته باشد. قنوت داشته باشد و محور توجه‌اش خالصانه خدا باشد.

صدق داشتن؛ باید با موازین حق که شامل عقل، فطرت، شرع و وحی است، منطبق باشد. صدق یعنی انطباق با حق.

صبر داشتن؛ باید پیوستگی و پایداری داشته باشد و نشکند. در سختی‌ها و مشکلات ایمانش نشکند.

خشوع داشتن؛ باید قلبش نرم باشد. سخت نباشد و دلش رحم داشته باشد.

اهل **صدقه** دادن باشد؛ باید برای حکومت اسلامی و قرآن هزینه کرد. صدقه یعنی دوست داشتن باید با عمل و هزینه
همراه باشد. برای مقاصد و آرزوهایش باید هزینه کند. مفهوم صدقه وسیع است. صدقه‌هایی که برای حکومت
اسلامی انجام می‌شود، ارزش دارد.

صائم بودن؛ صوم یعنی کفّ نفس دارد و می‌تواند به صورت زمان‌بندی شده تا مدتی خود را از چیزهایی محروم کند، مثل احرام که فرد به صورت خودآگاه می‌تواند چیزهایی را از خودش منع کند. صوم یعنی قدرت انجام ندادن. گاهی باید روزه سکوت بگیرد یعنی در یک بازه مشخص حرفی را نزند. قدرت کفّ نفس داشتن متناسب با چیزی را داشته باشد.

حافظ فروج بودن؛ پیوستگی این صفات مهم است، حال در هر سطحی که بخواهید آن را ترجمه کنید. عفت داشتن و موارد این چنینی. روزه‌هایی که منجر به گناه می‌شود را ببندد. راه‌های غرایض را ببندد. فروج شکاف‌هایی که منجر می‌شود فرد به او نفوذ کند.

ذکر کثیر داشتن؛ ذکر کثیر یعنی همیشه در یاد است، ممکن است گاهی فراموش کند. ذکر کثیر یعنی در خواب خدا را یادت می‌رود پس کاری کن در خواب هم به یاد خدا باشی.

تطهیر در اهل بیت (علیهم السلام) و در آن بیت چنین جنسی دارد. رجس یعنی تسلیم نبودن، قانت نبودن و ...

اگر کسی این آیه را با آیه ۳۳ کار کند، می‌تواند انواع رجس‌هایی که ممکن است به انسان اصابت کند را پیدا کند. رجس به انسان وارد نمی‌شود مگر از این طریق.

وقتی وصف را اینقدر عمومی می‌کند یعنی برای همه ما این حرف‌ها گفته شده است. سبک زندگی ما طاهرانه خواهد شد و نه القاء شیطان. از خدا بخواهیم که این حرف شیطان که ما لایق اهل بیت (علیهم السلام) نیستیم از گوش ما بیرون رود و این هویت اهل بیتی ذره ذره در زندگی ما نمایان شود.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات